

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی کاظمی

۱۱/۰۱/۲۱

الجزایر، اعتراضات مردمی و چشم انداز آن

الجزایر با ۳۴ میلیون نفر جمعیت، از کشورهای تولید کننده نفت اوپک است. روزانه ۲ میلیون بشکه نفت تولید می کند، تولید سالانه گاز آن ۸۵ میلیارد متر مکعب است که ۹۵٪ آن به اتحادیه اروپا صادر می شود و برابر با بیش از ۲۵٪ کل نیاز ممالک عضو اتحادیه است.

الجزایر از نظر اقتصادی به درآمد نفت و گاز وابسته است و این دو منبع انرژی ۹۸٪ صادرات کشور را تشکیل می دهد. از نفت و گاز که بگذریم پتروشیمی، دارو سازی، تولید کود و سموم، صنایع فولاد و آهن، تولید روغن خوراکی، کارخانه قند و شکر و تولیدات غذایی، تولید مواد ساختمانی و تولیدات کشاورزی کشور نیز از رونق برخوردار است. اضافه ارزش های نفتی در چرخه انباشت و بازتولید سرمایه اجتماعی کشور نقش مهمی ایفاء می کند. اقلام قابل توجهی از آن نیز صرف فساد مالی، سازماندهی نظامی پلیسی و امنیتی و خرید تسلیحات می شود. میزان بیکاری به ویژه بیکاری جوانان بسیار بالاست. بناء به آمار دولتی در سال ۲۰۰۹ بیکاری جوانان ۱۲،۴٪ بود که تخمین های غیر رسمی آن را حدود ۳۰ درصد می داند. از سال ۲۰۰۱ در این کشور هرگونه تظاهرات ممنوع شده است. آزادی های اساسی پایمال و سانسور شدید حاکم است و دستگاه قضائی به راحتی آب خوردن حکم اعدام صادر می کند.

افزایش قیمت کالاهای اساسی به ویژه مواد غذایی هم چون گندم، برنج، جواری [ذرت] و شیر که در اوائل بهار سال ۲۰۰۸ سبب اعتراضات گسترده مردمی در بسیاری از نقاط دنیا از جمله مصر، مکزیکو، موریتانی، سنگال و سایر کشورها شد بعد از کاهش اندک در سال ۲۰۰۹، افزایشی شدید را در سال ۲۰۱۰ به ویژه در زمستان آغاز کرد به نحوی که مثلاً قیمت برنج در ویتنام در ماه نومبر دوبرابر شد و افزایش در هند ۱۸٪ بود. به گزارش سازمان کشاورزی و خواروبار سازمان ملل افزایش قیمت مواد غذایی در دسامبر ۲۰۱۰ به بالاترین مقدار خود رسید و به قیمت های سال ۲۰۰۸ نزدیک شد. به نحوی که قیمت گندم از ۲۹۱ به ۳۲۷ دلار امریکا برای هرتن رسید. تغییر قیمت برای جواری [ذرت] از ۱۶۶ به ۲۴۰ دلار بود.

در الجزایر اعلام افزایش قیمت مواد سوختی و شکر (از ۷۰ دینار به ۱۵۰ دینار یعنی کمی بیش از نیم دلار امریکا) با اعتراضات گسترده توده های کارگر و فرودست در همه شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ همراه شد. این افزایش قیمت رسمی، افزایش غیررسمی کالاهای اساسی از جمله افزایش ۳۰ درصدی مواد غذایی را تکمیل کرد. افزایش قیمت ها جوانان را که افقی روشن در مقابل خود نمی بینند و با نرخ بیکاری ۲۰ درصدی به آینده خود امیدی ندارند به خیابان ها آورد. اعتراضی که دوجنبه داشت. اعتراض به فقر و گرسنگی و بی مسکنی و نرخ بالای بیکاری و سایر سیه روزی های ناشی از موجودیت و استیلای نظام سرمایه داری و اعتراض به جنایات و دیکتاتوری و کشتار هر نوع آزادی توسط دولت سرمایه داری عبدالعزیز بوتفلیکا که ۲۰ سال است فساد سیاسی و فساد مالی را در هم تنیده و مانند همگان خود تنها با نیروی سرکوب سرمایه برمسند قدرت نشسته است جوانان خسته از سرکوب و بدون افق در پیش روی، به خیابان ها آمدند. به ساختمان های دولتی، بانک ها و ادارات پست حمله بردند. در منطقه اعیان نشین "ال بیار" در مغازه های لوکس و سوپرمارکت های پر از مواد غذایی را بر روی مردم کشودند یا تخریب کردند. در حالی که ثروتمندان از ترس در خانه هایشان سنگر گرفته بودند و خیابان ها را به جوانان سپردند. بیش از ۱۰۰۰ نفر دستگیر و سه نفر در اثر تیراندازی پولیس کشته شدند. جوانان با پولیس به مقابله پرداختند به نحوی که ۷۶۳ زخمی از ۸۲۶ نفر زخمی تا روز شنبه ۹ جنوری را نیروهای سرکوب دولتی شامل پولیس و نیروهای امنیتی تشکیل می داد. اعتراضات گسترده مردمی و مقابله خونین آنها با نیروهای سرکوب و عدم عقب نشینی آنها به خانه ها دولت را به عقب نشینی وادار کرد و افزایش اعلام شده قیمت مواد سوختی و شکر را البته به طور موقت تا ماه اگست پس گرفت. این پایان کار نیست. زیرا به خواسته های اساسی جوانان برای کار و زندگی بهتر پاسخی نمی دهد. مشکل اساسی این است که در الجزایر نیز یک آلترناتیو قوی کارگری وجود ندارد. در این رخداد جای پائی از فعالیت سازمان یافته کارگری دیده نشده است. نه کارگران با سابقه نفت و گاز، نه معلمان و کارگران سایر صنایع و کشاورزی و صنایع خدماتی، اما در مقابل بیش از ۶۰۰ گروه اسلامی وجود دارد که به عنوان مبارزه علیه دولت به روستاها حمله می برند. به شبکه القاعده متصل اند، جوانان را برای عملیات انتحاری تربیت می کند، مردم را قتل عام می کنند و خواهان ایجاد یک دولت اسلامی هار و درنده هستند!!!

از سال ۱۹۹۲ تا کنون بیش از ۷۰ هزار نفر قربانی این خشونت های دوطرفه شده اند. بنابراین با بدتر شدن وضعیت موجود و فقدان یک نیروی سازمان یافته آگاه و ضد سرمایه داری از طبقه کارگر، امکان سربازگیری این نیروهای ارتجاعی از جوانان ناراضی باز هم بیشتر می شود. این خطر و این که این جوانان بیکار یا ارتش احتیاط کارگری به طبقه کارگر تعلق دارند و همبستگی طبقاتی کارگری لزوم اتحاد آنها در مقابل سرمایه و ارتجاع را می طلبد، وظیفه کارگران و فعالان کارگری را برای سازماندهی فوری ضد سرمایه داری این جنبش و جهت دهی آن دوچندان می کند و آن ها باید تا دیر نشده به این امر اقدام کنند.